

سینما آرش نهاوندی؛ مترجم

بهشت اکنون



ساخت فیلم «بهشت اکنون» و بار دیگر در سال ۲۰۱۳ برای فیلم «عمر».

او برای فیلم «بهشت اکنون» نیز یک جایزه گلدن گلوب در رشته بهترین فیلم خارجی در یافت کرده است. ابوسعد در یک خانواده مسلمان فلسطینی در شهر ناصره در سال ۱۹۶۱ متولد شد. او در سال ۱۹۸۱ به هلند رفت و در هارلم هلند در رشته ایروندینامیک تحصیل و سال‌ها به‌عنوان مهندس هواپیما فعالیت کرد. او با دیدن فیلمی از میشل خلیفی به حضور در سینما علاقه پیدا کرد.

ابوسعد در ابتدا به‌عنوان تهیه‌کننده تلویزیونی در شبکه چهار تلویزیون بریتانیا و شبکه بی‌بی‌سی مشغول به‌کار شد. او کمپانی تولید فیلم «عیلول» را در سال ۱۹۹۰ با دیگر فیلمساز فلسطینی، رشید ماشراوی راهاندازی کرد. ابوسعد در سال ۱۹۹۲ براساس فیلمنامه‌ای که نوشته بود، نخستین فیلم کوتاه خود را با عنوان «خانه کاغذی» برای تلویزیون هلندی «نس» ساخت.

ابوسعد نخستین فیلم خود با عنوان «چهاردهمین جوجه» را در سال ۱۹۹۸ ساخت. این فیلم جایزه‌های زیادی را در جشنواره‌های بین‌المللی از آن خود کرد.

فیلم «عمر» از آثار سینمایی مطرح این کارگردان فلسطینی در سال ۲۰۱۳ در بخش نوعی نگاه به جشنواره فیلم کن نمایش داده شد و جایزه داوران این جشنواره را به خود اختصاص داد. فیلم «عمر» علاوه بر نامزدی در اسکار ۲۰۱۳ جایزه بهترین فیلم جوایز سینمایی آسیا – پاسیفیک را نیز از آن خود کرد.

نحلا سعید، دختر ادوارد سعید، در سال ۱۹۷۴ در شهر بوستون در ایالت ماساچوست متولد شد. او سی‌نویسنده، بازیگر، نمایشنامه‌نویس و فعال سیاسی آمریکایی – فلسطینی است. ادوارد سعید، پدر نجلا سعید یک روشنفکر و استاد دانشگاه فلسطینی مطرح و شناخته‌شده‌ای بود که علاوه بر فعالیت‌های آکادمیک، یک فعال سیاسی فلسطینی هم بود و آثاری نیز در زمینه شرق‌شناسی و نقد امپریالیسم نیز از خود به‌جای گذاشت. نجلا سعید نیز مانند پدر در آثار ادبی و آکادمیک خود از موضوعاتی نظیر نژادپرستی، الگو برداری، نابرابری اجتماعی و اقتصادی، انتقاد کرده است. او در سال ۲۰۱۳ در گفت‌وگویی با مجله «سنالن» از هویت عربی و دلایل نگارش کتاب «به‌دنبال فلسطین» سخن گفت. این کتاب، جذاب و عمیقاً تکان‌دهنده در ژانر خاطره‌نویسی است. نجلا سعید در این کتاب درباره وقایع زندگی خود از دوران کودکی تا بزرگسالی نوشته و از تجربه‌اش به‌عنوان نسل دوم یک خانواده فلسطینی مهاجر در آمریکا در این کتاب گفته است. حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و شیوهای که آمریکایی‌ها به این حملات پاسخ دادند، باعث تغییرات زیادی در نگاه او به اجتماع و سیاست شد و همچنین سبب شد تا او در آثارش روی هویت فلسطینی و عرب خود بیشتر تمرکز کند.

تجسمی

نقاشی در غزه زیر بمباران

ملک مطر از جمله زنان مطرح نقاش و هنرمند فلسطینی است که در بیشتر آثارش روی تصاویری از زادگاهش غزه تمرکز دارد. فعالیت هنری ملک مطر در سال ۲۰۱۴ و در زمان بمباران شهر غزه و درحالی‌که وی از حملات بی‌امان صهیونیست‌ها پناه گرفته بود، در پناهگاه اوج گرفت. او در زمان جنگ غزه ۲۰۰۵ در خانه مانده بود و طی این مدت برای اینکه در برخی از ساعات روز ذهنش نسبت به جنگ منحرف شود، به نقاشی روی آورد. نخستین نقاشی ملک مطر زنی خندان بود که چشمانش را بسته و دستانش را کاملاً باز کرده و در حالی‌که لباسی رنگین بر تن دارد بر بالای شهری خاکستری مملو از ساختمان‌های زشت قرار گرفته است. او در ابتدا کارهایش را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذاشت، اما پس از مدتی تعداد پیام‌های زیادی که از سراسر دنیا ارسال شده بود، او را شگفت زده کرد و به غر واداشت. در نتیجه تصمیم گرفت نخستین نمایشگاه نقاشی‌هایش را در ۱۴ سالگی برپا کند.

او تاکنون بیش از ۳۰۰ نقاشی کشیده که در ۱ کشور نمایش داده شده‌اند. مطر در بیشتر نقاشی‌هایش زنان و زندگی در غزه را به تصویر کشیده است، نقاشی‌های او طرح‌های اکسپرسیونیستی زنده هستند که از عشق نقاش به رنگ‌ها و اشکالی که پیکاسسو وامتیز در نقاشی‌هایشان استفاده می‌کردند، پرده می‌برند. در سال‌های اخیر ملک مطر در نقاشی‌های خود بیشتر روی زنان غزه و ترسیم ششورای‌های پیش روی آنها، تمرکز شده است.

مطر همچنین در حال نگارش و نقاشی داستان‌های زندگی خود در یک کتاب مربوط به کودکان است. این نخستین کتاب در ژبانه‌ای خواهد بود که توسط یک فلسطینی از غزه نوشته و به تصویر کشیده شده است.



رئیس سازمان سینمایی اعلام کرد

حمایت از تولید آثار محور مقاومت

قدس، محلی برای وحدت مسلمانان و آزادگان جهان بوده و اجازه نداده خون پاک مردم مبارز فلسطین لگندمال جوسازی رسانه‌های غربی شود؛ رسانه‌هایی که اخبار تجاوز رژیم اشغالگر فلسطین را وارونه جلوه داده و اجازه نمی‌دهند تعدی و بی‌احترامی مداوم صهیونیست‌ها به قیله نخستین مسلمانان، به گوش آزادگان جهان برسد.

وی ادامه داد: سینمای ایران، در همه این سال‌ها همراه مردم فلسطین بوده است؛ همراه و همصدا با همه مبارزان علیه ظلم و بی‌عدالتی و توسعه‌طلبی بیگانگان در کشورهای اسلامی. جشنواره‌ای همچون جشنواره بین‌المللی «مقاومت» عرصه‌ای برای تجلی هنسر هنرمندانی بوده که مقاومت را در هر جای جهان که باشد، به تصویر کشیده و سیمای روشن قهرمانان عدالت‌خواه و جسوری که سر به ظلم خیم نکردند، ترسیم کرده

رئیس سازمان سینمایی اعلام کرد



پشت صحنه فیلم بزم زنده / عکس: شهاب الدین عادل

است. بسیار آثار فاخر تصویری درباره مقاومت در فلسطین، سوریه، عراق، یمن و کشورهای اسلامی در جشنواره‌های مختلف سینمایی عرضه و دیده شده است.

خرزاعی افزود: در آستانه برگزاری روز قدس با احترام به روح پرفروش امام راحل (ره) و به تاسی از رهبر معظم انقلاب اسلامی که همواره نماد ظلم‌ستیزی و در کنار فلسطین مظلوم بوده‌اند، به سینماگران اعلام می‌کنیم که از آثار مربوط به فلسطین شریف و محور مقاومت در سازمان سینمایی حمایت خواهد شد.

رئیس سازمان سینمایی گفت: امروز در جهان سینما، تصویر و رسانه، سازنده افکار و آیداندکننده امواج هستند. پیرز میدان‌های جنگ، آنانی هستند که صاحب رسانه‌اند و با زبان تصویر سخن می‌گویند. در جهان اسلام، نیازمند توسعه صنعت

جنایات صهیونیست‌ها همچنان زنده می‌ماند. بازمانده در روایت داستان و سبک بصری، به الگوهای سینمای کلاسیک وفادار است. فیلم با وجود تأکید بر حوادث، بیشتر با احساس مخاطب سر و کار دارد و راز تأثیرگذاری و ماندگار‌اش هم همین تکیه به احساس است.

فصل نهمی بازمانده نقطه اوج اثر را رقم می‌زند.آلترک‌سرای که صغیه برای نوشاف فرهای می‌خواند و بعد انفجار قطار و در نهایت زنده‌ماندن کودک؛ بازمانده‌ای که امید و آرمان فلسطین را تداموم می‌بخشد، به یادماندنی‌ترین سکانس فیلم است. بازمانده به‌عنوان بهترین محصول سینمای ایران درباره فلسطین یاد می‌شود.

قناری



نمایش فیلم سرب‌های فلسطینی

محصول انتهای دهه ۶۰ که در سال ۷۰اگران عمومی شد و یکی از معدود تولیدات بخش خصوصی با محوریت مقاومت ملت فلسطین است. حبیب کاوش در فیلم «آتش پنهان» بنا بر حادثه پر دازی گذاشته است. در آتش پنهان زاکوب، یهودی لبنانی‌ال‌اصل، در یک مهمانی، به همراه تعدادی از نزدیکانش به‌دست گروهی که به لباس زمندگان فلسطینی درآمده‌اند کشته می‌شود. خواهر و دختر زاکوب، سارا، از این حمله جان سالم به‌درمی‌برند.

زمندگان فلسطینی که درمی‌یابند هدف اسرائیلی‌ها از این ماجرا برانگیختن افکار عمومی علیه مبارزه آن‌هاست مسببان اصلی واقعه را افشا می‌کنند. سارا پس از شرکت در یک عملیات ناموفق تروریستی علیه ابوخلیل و فرزندش ابوعلی درمی‌یابد که نامزد اسرائیلی‌اش طراح و مجری توطئه قتل پدرش بوده است. نظامیان اسرائیلی برای مقابله دست به اقدام تلافی‌جویانه می‌زنند و گروهی از رهبران فلسطینی، از جمله ابوخلیل را دستگیر می‌کنند. به‌دنبال این ماجرا آرزومنده فلسطینی در یک عملیات انتحاری ستاد فرماندهی نیروهای اسرائیلی را منهدم می‌کنند. آتش پنهان با تکیه بر صحنه‌های اکشن در اکران به توفیق می‌رسد؛ پنجمین فیلم پر مخاطب سال ۱۳۷۰ با نزدیک به ۲میلیون تماشاگر. آتش پنهان پر مخاطب‌ترین فیلم سینمای ایران در حوزه مقاومت ملت فلسطین است.

سرب

«سرب» نخستین فیلم سینمای ایران است که مضمونی ضدصهیونیستی دارد و به فعالیت سازمان تروریستی هاگانا در تهران دهه ۲۰ می‌پردازد. مسعود کیمیایی در روزهایی که تازه فیلمبرداری سرب را به پایان رسانده بود درباره فیلمش چنین گفته بود: «مسئله فیلم، اصلا و ابدا سیاسی نیست. رنگ و لعاب ظاهری قصه، قضیه صهیونیسم است که در دنیا شاه‌خانه متعددی داشته و دارد که بخشی از آن هم به ایران مربوط می‌شود. در سال‌های پس از شهر یور ۱۳۲۰، گروهی یهودی حزبی درست کردند به‌نام هاگانا، وقتی در سال ۱۹۴۸ برای نخستین‌بار اسرائیل اعلام موجودیت کرد، یهودیان ایران هم به‌سوی این کعبه آمال ساختگی ساقه داده شدند اما در فیلم سرب، اینها یک سوی قضیه است. آنچه برای من اصل بوده، به‌دردی آدم‌ها به‌دنبال یک موعود است؛ موعودی که سیاست، ادبیات یا به نوعی بانگاری جهانی برایش ساخته است.» (ماهانمه فیلم، شهر یور ۱۳۶۷) در فیلم سرب، تشکیلات هاگانا قتل یک یهودی را به گردن میرزا محسن (جمشید مشایخی) می‌اندازد تا این موضوع دامن بزنده این مسئله که مسلمانان یهودی‌کشی به راه نداخته‌اند. از سوی دیگر فیلمساز سرب بودن سرزمین موعود را با تأکید بر بی‌پناهی شخصیت‌هایش به نمایش می‌گذارد. موضوع فیلم در قبال تشکیلات صهیونیستی هاگانا که در قطب منفی ماجرا ایستاده‌اند صریح است. نکته مهم سرب، تفکیک قائل شدن میان صهیونیست‌ها و یهودیان است؛ موضعی که بعدها در برخی از فیلم‌ها رعایت نشد. سرب در اکران سال ۱۳۶۸ کار کرد متوسطی در گیشه داشت. فیلم بعدها و در نمایش در تلویزیون بسیار دیده شد و عده‌ای آن را بهترین فیلم بعد از انقلاب کیمیایی می‌دانند.

کتاب یاور یگانه؛ روزنامه‌نگار

دختری به نام ریچل کوری



ریچل آلن کوری یک آتپلور که در ایران بیشتر متداول است، راشل کوری، خاطره‌نویس و فعال صلح آمریکایی بود که در انتفاضة دوم به‌دست ارتش رژیم صهیونیستی کشته شد. کوری سال آخر دانشگاه بود که برای پژوهشی مستقل به رفح در نوار غزه رفت و در آنجا به تعدادی از فعالان صلح پیوست. روز

۱۶مارس ۲۰۰۳، کوری در قالب گروهی از فعالان صلح متشکل از ۳بریتانیایی و ۴آمریکایی جلوی نیروهای ارتش اسرائیل ایستاد که قصد ویران کردن خانه‌های فلسطینیان را داشتند. ریچل خود را به‌عنوان سپر انسانی در برابر بولدوزر کاترپیلازا ارتشی قرار داد تا سد راه آن شود، اما بولدوزر از روی او عبور کرد و ریچل به‌شدت مجروح شد. ریچل با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد، ولی به‌دلیل شدت جراحات طاقت نیاورد و فوت کرد. پس از درگذشت کوری، ارتش اسرائیل مدعی شد که راننده بولدوزر کوری را که در مقابلش بوده ندیده، اما فعالان صلح حاضر در صحنه شهادت دادند که راننده بولدوزر تعداد از روی کوری عبور کرده است.

نمایشنامه «اسم من ریچل کوری است» (My Name Is Rachel Corrie) ویراسته آن ریگمن و کترین واینر خوانشی تئاتری از این واقعه است. این نمایشنامه بر مبنای یادداشت‌های روزانه و ایمیل‌های ریچل کوری به رشته تحریر در آمده است. این نمایشنامه در سال ۲۰۰۵ به کارگردانی آلن ریگمن در رویال کورت لندن روی صحنه رفت. خانواده او که به دیدن این نمایش نشستند آن را بسیار تأثیر گذار دانستند.

به‌گفته خودشان، آنها به‌عنوان یک خانواده آمریکایی تا پیش از درگیر شدن مستقیم ریچل با موضوع فلسطین تصور درستی از قضیه اشغال فلسطین نداشتند، اما از طریق ای‌میل‌های ریچل با فضای حاکم بر منطقه و شرایط بحرانی فلسطینیان آشنا شدند و نگاه دیگری به این قضیه پیدا کردند. از این نمایشنامه ۲ترجمه در ایران موجود است؛ «نام من ریچل کوری است که با ترجمه حسین درخشان در مجموعه نمایشنامه‌های نشر نی منتشر شده و ترجمه دیگر، از آن فرانک حیدریان است که انتشارات کوله‌پشتی آن را منتشر کرده است. در بخشی از ترجمه حیدریان می‌خوانیم: «از من درباره مقاومت بدون خوشنیت‌ریسی و من انتفاضة اول را مثال زدم. اکثریت بزرگی از فلسطینیان، تا آنجا که من می‌دانم، الان درگیر مقاومت بدون خوشنیت به سبک گاندی‌اند. فکر می‌کنی من در این خانه‌ای که قرار است تخریب شود و دانه زیر شلیک تیر است پیش چه کسانی مانده‌ام؟ خیال می‌کنی من با مبارزان حسان معاشرت می‌کنم؟» به این مردم هر روز تیراندازی می‌شود و آنها کاسبی‌شان از زیر سایه مسلسل‌ها و راکت‌اندازها به بهترین شکل ممکن ادامه می‌دهند. آیا همین خود مظهر مقاومت بدون خوشنیت نیست؟» کوری هنگام مرگ تنها ۳۳سال داشت.

سریال فهمیه پناه‌آذر؛ روزنامه‌نگار

در مدار محبوبیت

در این سال‌ها تلویزیون به پهنای‌های مختلف سریال‌هایی درباره فلسطین تولید و روانه آنتن کرده است. مجموعه‌های چون «چشمان آبی زهر» به کارگردانی علی درخشنی اوایل دهه ۸۰، اروی آنتن رفت، سریالی که سخته سینمایی آن هم پیش شد. از دیگر سریال‌ها «وفا» بود که سال ۱۳۸۵ به کارگردانی محمدحسین لطیفی روی آنتن شبیکه ۳ رفت. یک سال بعد از آن سریال «مدار صفر درجه» حسن فتحی از شبکه اول سیمای بخش شد، سریالی که در میان مجموعه‌های بخش شده درباره فلسطین، توانست بیش‌ترین بشارتی جذب کند.

بی‌شک در دهه ۸۰با حجم خوبی از سریال‌های تلویزیونی مواجه بوده‌ایم. «مدار صفر درجه» هم زمانی که رنگ و بوی سریال‌های داستانی سیمای شبک شکل و شمایل بسیار باکیفیت‌تر و سنجیده‌تر از اغلب مجموعه‌های امروزی بود، برای بینندگان بخش شد و این سریال همچنین در اکران جهانی و رسانه‌ای و صفحات جست‌وجوگر اینترنتی آمده، براساس زندگی عبدالحسین سرداری (دبیلماث دولت ایران در پاریس طی سال‌های جنگ جهانی دوم) ساخته شده هر چند نمی‌توان با عدم‌وجود شهادت‌ها این موضوع را تأیید کرد. این سریال یکی از محبوب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی تا به امروز لقب گرفته تا جایی که در این سال‌ها بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیونی بخش شده است. داستان سریال «مدار صفر درجه» به پیش از شهریور ۱۳۲۰ بازمی‌گردد و ماجرای سفر دانشجویی ایرانی به‌نام حبیب پارسا (شهاب حسینی) به فرانسه برای تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه پاریس را نشان می‌دهد که در پژوهشی با دختری یهودی به نام سارا استروک همکاری می‌کند. اما این پژوهش باعث تغییر در مسیر زندگی او می‌شود. سارا و حبیب در بستر جنگ جهانی دوم و شکل گرفتن صهیونیسم و تسلط تدریجی بر فلسطین می‌گذرد. حسن فتحی برای کارگردانی این سریال در دو سیمون جشنواره تلویزیونی جام‌جم جایزه دریافت کرد. یکی از ماندگارترین بخش‌های «مدار صفر درجه» موسیقی آن است، موسیقی‌ای که با آهنگسازی فردین خلعتچی با ترکیب کم‌نظیر خوانندگی علیرضا قربانی و ترانه‌سرای م رحوم افشین بداللهی می‌تواند ماندگارترین اثر در تلویزیون در این سال‌ها باشد. خلعتچی بیش از این در سریال‌هایی چون «شب‌دهم» با حسن فتحی همکاری کرده بود، وی در گفت‌وگویی که در همشهری منتشر شده، می‌گوید: «به‌نظمم موسیقی فیلم یا سریال تابعی از خود سریال است. به همین دلیل اگر سریال به خوبی ساخته شده باشد و کارگردانی فیلمنامه و سایر عوامل جذاب باشند؛ موسیقی هم جذاب به‌منظر می‌آید.»
خلعتچی درباره حضور علیرضا در نقش‌ها به‌عنوان خواننده تیتراژ و مستغذی از گروه کر توسط آهنگساز در همراهی با صدای خواننده می‌گوید: «من این سریال را یک‌سر یال عاشقانه می‌بینم که در دوره خاصی از تاریخ شکل گرفته. در ساخت موسیقی آن به تضاد یا تلفیق تم‌ها خیلی فکر نکردم. البته خیلی سخت است که یک قطعه موسیقی را تعریف کنم. در مجموع آنچه موسیقی مدار صفر درجه را توجیه می‌کند، عشق است که در این سریال خیلی مشخص است.» در این سریال علاوه بر شهاب حسینی بازیگرانی چون مسعود رایگان، رؤیا تیموریان، آنته قنیه‌نصیری، لیلیا زانگنه، فرخ نعمتی، صدراالدین شجره و احمد ساعتچیان بازی کرده‌اند. بازیگران لبنانی و فرانسوی نیز در این سریال حضور داشتند. برخی دوبولرها در این سریال به جای بازیگران صحبت کرده‌بودند؛ بهرام زند، مدیر دوبلاژ سریال بود که عنوان کرده بود «۶۰پندنده به‌جای هنرپیشه‌های داخلی و خارجی سریال گویندگی کرده‌اند.